

روایت‌شناسی «مقامات ژنده‌ی پیل»

محمد سالم حصاری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

کد مقاله: ۸۶۵۰۶

چکیده

در این مقال سعی شد تا در راستای کاوش در نظریه بومی روایت، پای در راهی گذاریم که مختصات آن پیشتر از سوی بزرگانی چون زنده‌یاد قاسم هاشمی نژاد و جناب دکتر اسماعیل بنی اردلان ترسیم گشته است. به طور کلی، در سنت روایی (عرصه‌ی فرهنگ عامه) به این فرضیه رسیدیم که، ساختار (فرم) در پی (جستجوی) مضمون است یعنی «بازنمایی جهت یادآوری»؛ از طرفی دانستیم که در عرصه‌ی خاص روایت عرفانی فرم و محتوا قابل تفکیک نیست، و «ساختار به منزله‌ی مضمون» است. و در کل شاهد کارکرد متنوع عنصر «تکرار» [به مثابه‌ی ذات روایت] هستیم. به طور اجمالی، «موقعیت خرق عادت»، «کنش مثالین»، «شخصیت عرفانی» [در حال استحاله]، و نهایتاً «قصه‌ی عرفانی»، وجوه روایت (داستانی) غیب را می‌سازند و نهایتاً «جغرافیای روایت غیب» عنوانی کلی برای روایت عرفانی می‌باشد که در آن تقدیر و سرنوشت‌ها [زندگی] آمیخته با احوالات شخصیت‌ها [از خواب‌بینی و بیماری و شفا و دیداریابی برای عامی تا ریاضت خودخواسته و کشف و شهود (دیدار بینی) و کیمیای نفسانی عارف]، محتوای روایت را می‌سازد. ما در این‌جا از راه ارائه‌ی یک ساختار پیشنهادی [سه‌گانه‌ی پایه-آینه-پوششی و گونه‌ی مستقل حکایات خواب]، حکایات کثیر مقامات ژنده-ی پیل را طبقه‌بندی نمودیم و به کمک اصطلاحات اختصاصی (روایت‌شناختی) متن که همان «بازیگری‌بندی روایی مقامات» محسوب می‌شود، سعی در ترسیم وجوه روایی مقامات اعم از داستانی و متنی را داریم و به طور خلاصه، عرصه-های «گفتمان-روایت» [تمهید مقدمه (فصل‌بندی) مقامات]، «زبان-روایت» [گزیده‌ی مقامات]، «داستان-روایت» [ساختار پیشنهادی]، «خیال-روایت» [ویژگی تصویری بودن و رد پای راوی]، و نهایتاً «روایت-روایت» [اصطلاحات اختصاصی روایت‌شناختی] طرح و تبیین گشت.

واژگان کلیدی: روایت، روایت‌شناسی، مقامات ژنده‌ی پیل، عرفان

۱. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد فلسفه هنر از دانشگاه هنر تهران